

مجله‌ی علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌درسی»
انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران
دوره‌ی اول، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰
صفحات ۸۱-۱۰۴

امکان سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه^۱

مرزبان ادیب منش* دکتر مجید علی عسگری**
دکتر نعمت ... موسی‌پور***

چکیده

این مقاله با هدف امکان سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه تهیه شده است. بدین منظور چهار متغیر دانش، نگرش، مهارت و امکانات در دو گروه مدیران و دبیران، مورد سنجش و بررسی قرار گرفت. برای سنجش متغیرهای یادشده، چهار اقدام ترتیبی «انتخاب، تغییر، تکمیل و تدوین» در زمینه‌ی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، مورد شناسایی قرار گرفت و سعی شد پرسش‌نامه‌ای تهیه شود که سنجش هر چهار سطح را شامل شود. ضمن این‌که سؤالاتی نیز طرح شدند که بتوانند تمرکز را بسنجند. در جریان بررسی از پژوهش توصیفی استفاده شد. از جامعه‌ی کل (تمام دبیران و مدیران مدارس متوسطه شهر کرمانشاه) در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ نمونه ۵۰ مدیر و ۳۰۰ دبیر به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد، برای توصیف از آزمون مجذور کای و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن برای بررسی‌های استنباطی استفاده گردید. نتیجه‌ی کلی پژوهش حاکی از آن است که گروه‌های مخاطب دارای دانش کافی، نگرش متوسط و مهارت ناکافی در زمینه‌ی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشند و مدارس متوسطه‌ی شهر کرمانشاه، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، از امکانات مناسب برخوردار نیستند.

کلید واژه‌ها: امکان سنجی، برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، دوره‌ی متوسطه، دبیران و مدیران، شهر کرمانشاه.

۱. این مقاله براساس پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «امکان سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه» تدوین شده است.

* marzbaneadib@yahoo.com

* مدرس مرکز تربیت معلم شهید رجایی کرمانشاه

** aliasgari2002@yahoo.com

** استادیار دانشگاه تربیت معلم تهران

n_mosapor@yahoo.com

*** دانشیار دانشگاه باهنر کرمان

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت مقاله‌ی نهایی: ۹۰/۹/۱۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۳

مقدمه

نظام آموزش و پرورش دوره‌ی متوسطه همانند سایر دوره‌های تحصیلی دارای اجزا و عواملی است. یکی از اجزای مهم آن، نظام برنامه‌ریزی درسی است و برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش، یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عناصر در جهت حصول به اهداف و آرمان‌های ملی در خصوص تعلیم و تربیت نسل آینده‌ی یک کشور محسوب می‌گردند.

شیوه‌ی اجرای برنامه‌ی درسی در دوره‌ی متوسطه، تا حدود زیادی تابع نظام برنامه‌ریزی درسی است. بر این اساس یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین محورهایی که در نظام آموزش و پرورش کشور ما مطرح است، «مدرسه محوری» و واگذاری اختیارات بیش‌تر به مدارس در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه برنامه‌های درسی است (آقازاده، ۱۳۸۵). در واقع مدرسه محوری به عنوان نقطه اوج تمرکز زدایی^۱ و حد‌اعلای آن در نظر گرفته می‌شود (نصر اصفهانی، ۱۳۸۱). حرکت به سوی نظام «برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور^۲» از تحولات بارز نظام‌های آموزشی طی سالیان اخیر به شمار می‌رود. این تحول به منظور بهبود عملکرد مدرسه و ارتقای کیفیت آموزشی انجام می‌شود (داودی‌پور و همکاران، ۱۳۸۷).

قریب به یک‌صد سال تلاش رسمی و سازمان‌یافته‌ی نظام آموزشی ایران، برای سامان بخشی فعالیت‌های آموزشی، همواره با این پرسش آمیخته بوده است که تصمیمات مربوط به برنامه‌ی درسی کجا و توسط چه کسی اتخاذ می‌شود؟ نوع پاسخ داده شده به این پرسش به تناسب واقعیت‌های نظام آموزشی، باورها و اعتقادات اجتماعی و تحولات جهانی متفاوت بوده است (موسی‌پور، ۱۳۸۷).

در این راستا یکی از محورهایی که در نظام آموزش و پرورش در سال‌های اخیر مطرح شده و بر آن است تا بر مبنای آن اقدام نماید «مدرسه محوری» و واگذاری اختیارات بیش‌تر به مدارس در زمینه‌ی امور گوناگون، مانند برنامه‌ریزی درسی است. بی‌گمان تحقق یافتن مدرسه محوری مستلزم اصلاحات عدیده‌ای در ارکان گوناگون نظام آموزشی است (فتحی واجارگاه، الف ۱۳۸۳)، که از مهم‌ترین آن‌ها توجه به شرایط فرهنگی اجتماعی، بازنگری درباره‌ی نقش دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به ویژه مدیران و معلمان و تواناسازی آن‌ها برای تصدی مسؤولیت‌ها و وظایف جدید است.

طی قرن جاری، نظام برنامه‌ریزی درسی ایران، به مرور از یک نظام غیرمتمرکز به یک نظام متمرکز تبدیل شده است؛ ولی در حال حاضر نظام برنامه‌ریزی درسی ایران در تب و تاب غیرمتمرکز شدن است (موسی‌پور، ۱۳۸۷). چنین به نظر می‌رسد که نظام آموزش و پرورش ایران به لحاظ برخورداری از برخی از شرایط خاص، (تنوع امکانات مالی، خرده

فرهنگ‌ها و ...) برنامه‌ی درسی غیر متمرکز و به تبع آن برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور را می‌طلبد. فکر مدرسه محوری، در شرایطی در نظام آموزش و پرورش ایران مطرح است که معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی درسی نقشی ندارند و بیش‌تر، برنامه‌های درسی طراحی شده توسط مقامات مرکزی در سطح وزارت آموزش و پرورش را به مرحله‌ی اجرا درمی‌آورند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳).

مدعای اصلی مدرسه محوری، آن است که باید استقلال و اختیار مدارس بیش‌تر شود تا خود به تعیین خط مشی و حل مسایل و مشکلات خویش بپردازند. به بیان دقیق‌تر، به حساب آوردن مردم، فعال کردن معلمان در جریان تربیتی، توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی و لحاظ کردن علایق و سلیق دانش‌آموزان و بالاخره تحقق نیازهای گوناگون در این کشور پهناور، به فراخور مقتضیات مناطق مختلف کشور، مسایل مهمی قلمداد می‌شوند که طرفداران برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور بر آن تأکید می‌کنند. با وجود این، وقتی سخن از اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌شود، لازم است به شرایط اجرایی آن توجه شود. اجرای هر نوع از برنامه‌ریزی درسی در مدارس، از سویی به امکاناتی نیاز دارد که می‌توان آن‌را شرایط سخت افزاری نامید و از سوی دیگر به عاملانی نیاز دارد که می‌توان آن‌را شرایط نرم افزاری قلمداد کرد.

شرایط سخت افزاری با متغیرهای متعددی مرتبط است که از عمده‌ترین آن‌ها می‌توان فضا، منابع مکتوب و دیجیتال، قوانین و دسترسی را نام برد. شرایط نرم‌افزاری از آن جهت که به عاملان اجرای برنامه‌ی درسی مربوط شده است با سه متغیر اصلی قابل شناسایی است: دانش و آگاهی عاملان برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، انگیزه و احساسات عاملان برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و مهارت و تجربه عاملان برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور.

این سه متغیر ابعاد مختلف رفتار عاملان برنامه‌ریزی درسی را نشان خواهد داد. بر این اساس می‌توان پرسید که آیا شرایط (سخت افزاری و نرم افزاری)، برای اقدام به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در مدارس متوسطه مهیا است؟

در پاسخ گویی به این پرسش، به شکل‌های متفاوتی می‌توان عمل کرد و بر پایه‌ی تحلیل داده‌های گوناگونی می‌توان پاسخی را فراهم آورد.

آنچه در این پژوهش دنبال می‌شود آن است که عاملان احتمالی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در دوره‌ی متوسطه (یعنی دبیران) و تصمیم‌گیرندگان نظام برنامه‌ریزی درسی (یعنی مدیران)، در این باره چگونه می‌اندیشند. بنابراین برای «امکان سنجی»^۱ برنامه‌ریزی

درسی مدرسه محور به داده‌هایی استناد می‌شود که مربوط به این دو گروه است. تصویری که این دو گروه از شرایط ارایه می‌کنند مبنای تحلیل و پاسخ‌گویی به این پرسش خواهد بود که آیا امکان اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در مدارس متوسطه شهر کرمانشاه وجود دارد یا خیر؟

در این راستا چهار متغیر دانش (میزان آگاهی و معلومات گروه‌های مخاطب نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور)، نگرش (طرز تلقی گروه‌های مخاطب نسبت به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و هم‌چنین تمایل یا عدم تمایل آن‌ها نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور)، مهارت (میزان مهارت و توانایی دبیران و مدیران برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور)، امکانات (منابع مالی و مادی، قوانین مکتوب و دیجیتالی و تمامی وسایل و ابزارهای مورد استفاده برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور) مورد سنجش و بررسی قرار گرفتند.

بنابراین پژوهش حاضر با عنایت به بحث تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش، توجه به نقش و شأن مدرسه، ساختار نظام متمرکز برنامه‌ریزی درسی و تمایل فزاینده برای واگذاری اختیارات بیش‌تر به مدارس از سوی مدیران و دبیران، امکان سنجی تحقق این امر به معنای بررسی قابلیت اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور را مد نظر قرار داده و درصدد ارزیابی مسأله از زوایا و ابعاد متفاوت است، به عبارت دیگر امکان سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و تفویض اختیارات لازم، و حرکت از برنامه‌ریزی و مدیریت ملی به سوی نوعی مدیریت غیر متمرکز در سطوح اجرایی از طریق بررسی دیدگاه‌ها و نظرات صاحبان فرآیند در نظام آموزشی (مدیران، دبیران) به‌عنوان مطالعه‌ی موردی، هدف اصلی و اساسی است که در این پژوهش سعی می‌شود به آن پرداخته شود.

پیشینه‌ی تحقیق و چارچوب پژوهش

برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، به عنوان یک گرایش بین‌المللی از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد ظاهر شد و از تصمیم‌گیری برنامه درسی قطعی از سوی مرکز فاصله گرفت، تا این‌که به وسیله‌ی معلمان و مدارس، به طور جداگانه تهیه و تدوین شد (مارش و همکاران، ۱۹۹۰). مطالعات مختلف به اهمیت بهره‌گیری از الگوهای نظام برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور اشاره داشته است. این موضوع در نظام‌های آموزشی توجه زیادی را به خود جلب کرده است.

در بررسی به عمل آمده از الگوهای موجود مدرسه محوری در کشورهای مختلف جهان، مشخص گردید که با توجه به شرایط خاص هر نظام آموزشی و مدارس آن، الگوهای

مختلفی از برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور عرضه شده است (مهرعلی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴). دامنه‌ی پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی نظام برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، موضوعات متنوعی را شامل می‌شود که به چند نمونه از این پژوهش‌ها که در ایران و در کشورهای دیگر انجام شده، اشاره می‌شود.

پژوهشی در سال ۱۳۷۹ با عنوان «نگرش سنجی برون سازمانی درباره‌ی میزان مطلوبیت تمرکززدایی در نظام آموزش و پرورش فارس» توسط معصومه کاتب دریمی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

- بیش از ۷۰ درصد از افراد نمونه با تمرکز زدایی موافقت می‌کنند؛
- از نظر میزان تمایل به تمرکززدایی بین افراد با توجه به تحصیلات، تفاوت معناداری وجود نداشت؛

- در مورد امکانات، بیش‌ترین توافق مبنی بر کمبود امکانات مناسب در مدارس حاصل شد. پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۱ با عنوان «امکان سنجی و راه‌کارهایی برای غیرمتمرکز کردن نظام آموزشی و تقویض اختیارات»، توسط محمدحسین یارمحمدیان و همکارانش در دانشگاه آزاد واحد خوراسگان (اصفهان)، انجام شده، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، عدم اطلاعات و انگیزه‌ی لازم، مشکلات مالی، کمبود امکانات، تقدم رابطه بر ضابطه، عدم احساس مسؤلیت و ... باعث شده که فقط مسایل خیلی جزئی و مختصر، بر عهده‌ی مدرسه گذاشته شود و وظایفی که احتیاج به دقت، وقت و هزینه‌ی بیش‌تری نیاز دارد و به اصطلاح کلی‌تر هستند به وزارت آموزش و پرورش واگذار گردد. به طور کلی یافته‌ی حاصل از این پژوهش نوعی برنامه‌ریزی و مدیریت ناحیه‌ای را توصیه می‌کند.

پژوهشی با عنوان «بررسی راه‌های تحقق اهداف مدرسه محوری از دیدگاه رؤسای ادارات آموزش و پرورش خراسان و مدیران دبیرستان‌ها» در سال ۱۳۸۲ توسط آقای باقرزاده انجام گرفته، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۹۰ درصد از رؤسای ادارات و مدارس قبل از اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور به فرهنگ سازمانی مناسب نیازمند هستند (نقل از مهرعلی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴).

یک پژوهش در سال (۱۳۸۳) با عنوان «امکان سنجی مشارکت معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزش و پرورش ایران» توسط فتحی و اجارگاه صورت گرفته است. نتیجه‌ی اصلی این پژوهش این است که تصمیم‌گیری درباره‌ی افزایش مشارکت معلمان مستلزم تدارک تمهیداتی مانند تجدید نظر در نظام تصمیم‌گیری آموزش و پرورش، آماده‌سازی، تجهیز و توانمندسازی معلمان و اتخاذ سیاست‌های معینی است که نباید مغایر با وحدت ملی و اعتلای آموزش و پرورش کشور باشد.

پژوهش دیگری در سال ۱۳۸۵ تحت عنوان «امکان‌سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور» توسط ماندانا ملکی انجام شده است، نتایج پژوهش حاکی از آن است که:

- بین میزان تحصیلات معاونان و نگرش آن‌ها نسبت به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور رابطه وجود دارد.

- بین جنس معاونان و دانش آن‌ها و بین جنس رؤسای انجمن اولیا و نگرش آن‌ها نسبت به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور رابطه وجود دارد.

موسی پیری (۱۳۸۸)، پژوهشی تحت عنوان «طراحی و اعتبار‌سنجی الگوی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور»، به عنوان رساله دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه تربیت معلم تهران انجام داده است.

یافته این پژوهش نشان می‌دهد که الگوی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، با در نظر آوری چارچوب برنامه درسی رسمی (ملی) در دو سطح، دارای دو لایه‌ی متفاوت نظارت استانی و منطقه‌ای با مشارکت‌کنندگان برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، دو دامنه‌ی تصمیم‌گیری، دامنه‌ی محدود و وسیع، سه کارکرد اساسی، شش مؤلفه و دو اقدام اساسی است.

فولان^۱ و زابار^۲ (۱۹۸۹) اعتقاد دارند تمرکززدایی در آموزش و پرورش، یک پدیده‌ی جهانی است. در سال‌های اخیر گرایش به طرف تمرکززدایی و تفویض اختیار بیش‌تر به مدارس در نظام آموزش و پرورش عمومی وجود داشته است (گازیل^۳، ۱۹۹۸) و تحقیقات فراوانی نیز در این زمینه صورت گرفته است.

پژوهشی در سال ۱۹۹۵، توسط آدامز^۴ و گولدبار راجع به تمرکز و عدم تمرکز در نظام برنامه‌ریزی درسی انجام شد و نتایج ذیل به دست آمد:

عدم تمرکز، کلید هر سیاستی برای توسعه‌ی فرهنگی است که بر اساس اصول دموکراسی استوار است. عدم تمرکز به معنای تفویض اختیار قدرت و مسؤولیت به نواحی، استان‌ها، شهرها و شهروندان است و فقط یک نظام غیرمتمرکز برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری می‌تواند قسمتی از برنامه‌های محلی را رهبری کند که پاسخ‌گوی همه‌ی نیازهای ویژه هر قسمت از تقسیمات ایالتی باشد.

در پژوهشی که در سال ۲۰۰۲ توسط نیر^۱ انجام گرفت، مشخص گردید که اعمال برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در تعهد معلم تأثیر می‌گذارد، به عبارت دیگر تعهد معلمان به حرفه‌ی خود، تحت این نوع نظام برنامه‌ریزی افزایش می‌یابد (نقل از نایدو^۲ و گنی، ۲۰۰۳).

گاردن^۳ (۲۰۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «مشارکت والدین در تصمیم‌گیری مدرسه محور در ویکتوریا، کلمبیا، بریتانیا و کانادا» به بررسی میزان مشارکت والدین در امور آموزشگاه مبادرت کرده است. هدف از اجرای این پژوهش تعیین میزان مشارکت و فعالیت‌های مشارکتی والدین در مدرسه است. علاوه بر این از اولیا خواسته شد که در مورد روش‌هایی که در مدارس می‌توانند جهت جلب مشارکت والدین به کار برند و نیز نقش والدین در فرایند تصمیم‌گیری‌های مدیریت مدرسه محور، نظر بدهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که والدین علاقه‌مند هستند ارتباط مدارس با آن‌ها بیش‌تر شده، به سیستم مدیریت و بودجه دسترسی داشته باشند (نقل از پیری، ۱۳۸۸).

مگزمن^۴ (۲۰۰۸) و اسکلیک^۵ (۲۰۰۸) در پژوهش‌های مشابه نشان داده‌اند که اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در ارتقای توانایی‌های کلامی و به طور کلی در رشد همه جانبه‌ی یادگیرندگان نقش اصلی و اساسی دارد. بر این اساس شرکت فراگیرندگان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به مسایل آموزشی، به‌ویژه به عنوان کسانی که بر روند برنامه‌ریزی درسی اثر گذارند، پیوسته مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

در بحث راجع به تمرکزگرایی و تمرکززدایی باید اذعان کرد، اصلاحات در نظام آموزش و پرورش پاسخی است به خواسته‌ها و انتظارات جوامع و گروه‌ها و افراد ذی‌نفع، از جمله این اصلاحات در آموزش و پرورش تمرکززدایی از نظام برنامه‌ریزی درسی می‌باشد. از این‌رو در چند دهه‌ی اخیر، تلاش‌های متعددی از سوی نظام آموزشی برای خروج از وضعیت تمرکز در برنامه‌ریزی درسی به منظور حداکثر رساندن سهم سطوح پایین‌تر، فایق آمدن بر تضادهای موجود و افزایش مشروعیت و کارآیی برنامه‌های درسی صورت گرفته است (بن پرتز^۶، ۱۹۹۹).

با توجه به کاستی‌ها و مشکلات «برنامه‌ریزی درسی متمرکز» کشورهای مختلف تلاش نموده‌اند تا نظام برنامه‌ریزی درسی خود را متحول و بازسازی کنند. در این باره

1. Nier	2. Naido	3. Garden	4. Magzamen
5. Skilbeck	6. Ben - peretz		

مدارس و معلمان به عنوان نیروهای مؤثر در جریان برنامه‌ریزی درسی نگرینسته شدند و نگاه مصرف‌کنندگی و مجری از آنان برداشته شد (زابار، ۱۹۸۹)؛ و باعث گردید تا مفاهیمی نظیر برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مورد توجه قرار گیرد.

هدف کلی

در این مقاله هدف اصلی، ارائه گزارشی از امکان‌سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه است که بر پایه‌ی این هدف کلی، سؤال‌های مشخص‌تری به شرح زیر مطرح و پاسخ‌گویی به آن‌ها مدنظر بوده است:

- ۱- گروه‌های مخاطب (مدیران و دبیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از چه میزان آگاهی و دانش برخوردار هستند؟
 - ۲- گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور دارای چه نوع نگرشی می‌باشند؟
 - ۳- گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور چه میزان مهارت دارند؟
 - ۴- امکانات موجود در مدارس متوسطه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور چه میزان است؟
- شایان یاد است که ارتباط هر کدام از سؤالات اصلی با متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، سابقه خدمت، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت در خارج از کرمانشاه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

روش بررسی

از آن‌جا که عاملان برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در مدارس متوسطه، دبیران می‌باشند و مدیران هم به عنوان تصمیم‌گیرندگان نظام برنامه‌ریزی درسی قلمداد می‌شوند، بنابراین دبیران و مدیران دبیرستان‌های شهر کرمانشاه گروه اطلاع‌رسان این پژوهش می‌باشند. از این‌رو، در راستای امکان‌سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، چهار متغیر دانش، نگرش، مهارت و امکانات در دو گروه مدیران و دبیران مورد سنجش و بررسی قرار گرفت.

در رابطه با سایر متغیرها نیز فرضیات مطرح گردید که میزان دانش، نگرش، مهارت فراگیران (مدیران، دبیران) را نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور با سن،

جنس، سطح تحصیلات، سابقه خدمت، سنوات خدمت در شهر کرمانشاه و سنوات خدمت در خارج از شهر کرمانشاه را سنجید.

پژوهش حاضر از نوع مطالعات توصیفی می‌باشد که در آن دیدگاه‌های مدیران و دبیران دبیرستان‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به این امر، جامعه‌ی آماری پژوهش مشتمل بر مدیران و دبیران دبیرستان‌های شهر کرمانشاه می‌باشد. حجم نمونه شامل سی صد نفر از دبیران و پنجاه نفر از مدیران شاغل در دبیرستان‌های شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۸۸-۱۳۸۹ است.

نمونه‌گیری طی چند مرحله انجام شد: در مرحله‌ی نخست، شصت دبیرستان با توجه به سه متغیر جنسیت، نحوه‌ی اداره و نوع آموزش، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم جامعه انتخاب شدند. در مرحله‌ی دوم نیز در هر یک از دبیرستان‌های منتخب پنج نفر از دبیران به شیوه‌ی تصادفی انتخاب شدند.

جدول ۱: روش نمونه‌گیری از دبیرستان‌های شهر کرمانشاه

جمع	دبیران	مدیران		
۱۲۰	۱۰۰	۲۰	دولتی	دبیرستان‌های نظری
۶۰	۵۰	۱۰	غیر دولتی	
۶۰	۵۰	۱۰	دولتی	هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای
۳۰	۲۵	۵	غیر دولتی	
۶۰	۵۰	۱۰	دولتی	هنرستان‌های کار و دانش
۳۰	۲۵	۵	غیر دولتی	
۲۴۰	۲۰۰	۴۰	دولتی	جمع
۱۲۰	۱۰۰	۲۰	غیر دولتی	

در این پژوهش، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شد، برای تعیین روایی^۱ و پایایی^۲ پرسش‌نامه از نظر استادان مجرب و صاحب‌نظر در این زمینه استفاده شد. به همین منظور، پرسش‌نامه در اختیار پنج نفر از استادان و متخصصان این عرصه قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا قابلیت هر پرسش را برای سنجش متغیر مورد نظر مشخص کنند. طی چند مرحله، پرسش‌نامه مورد نقد و بررسی استادان قرار گرفت و در نهایت پرسش‌نامه‌ای طراحی و تدوین گردید که ضمن داشتن صراحت و عینی بودن، دارای معنای واحد و مشترک برای تمام پاسخ‌گویان بود. پرسش‌نامه‌ی یادشده به صورت بسته پاسخ،

تهیه شد و به طور مستقیم به پاسخ‌گو تحویل گردید. از پاسخ‌گو درخواست شد که در همان زمان به پرسش‌نامه پاسخ و آن را عودت دهد. اما در موردی که امکان تحویل بلافاصله مقدور نبود، زمانی برای دریافت پرسش‌نامه هماهنگ و مراجعه صورت گرفت. داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌ی محقق ساخته گردآوری گردیدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد. بر این اساس، از شاخص‌های میانگین و انحراف استاندارد، با توجه به سطح سنجش متغیرها استفاده شد و در آمار استنباطی هم به منظور سنجش رابطه‌ی بین متغیرها از آزمون خی ۲ و ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن استفاده گردید.

یافته‌ها

قبل از پاسخ‌گویی به سؤال‌های اصلی پژوهش به توصیف متغیرهای فرعی سابقه خدمت، تحصیلات، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت در خارج از کرمانشاه پرداخته می‌شود.

جدول ۲: توصیف وضعیت متغیرها

متغیر	شاخص	درصد	فراوانی تجمعی	درصد فراوانی تجمعی
تحصیلات	فوق دیپلم	۳/۱	۱۱	۳/۱
	لیسانس	۸۵/۷	۳۰۰	۸۸/۹
	فوق لیسانس	۱۱/۱	۳۹	۱۰۰
سابقه خدمت	۱۰-۱سال	۳۹/۱	۱۳۷	۳۹/۱
	۱۱-۲۰سال	۵۰/۳	۱۷۶	۸۹/۴
	۲۱-۳۰سال	۱۰/۶	۳۷	۱۰۰
سنوات خدمت در کرمانشاه	۱-۱۰سال	۲۹/۱	۱۰۲	۲۹/۱
	۱۱-۲۰سال	۶۳/۱	۲۲۱	۹۲/۳
	۲۱-۳۰سال	۷/۷	۲۷	۱۰۰
سنوات خدمت در خارج از کرمانشاه	۱-۳سال	۹۴	۳۲۹	۹۴
	۴-۸سال	۴	۱۴	۹۸
	۹-۱۱سال	۲	۷	۱۰۰

۱) گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از چه میزان آگاهی و دانش برخوردار هستند؟

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، ۱۱/۵ درصد از گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، از دانش پایین، ۳۸/۵ درصد از دانش متوسط و ۵۰ درصد از دانش بالا، برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند.

جدول ۳: توزیع میزان آگاهی و دانش گروه‌های مخاطب

درصد	فراوانی	
۱۱/۵	۲۰	پایین
۳۸/۵	۱۵۰	متوسط
۵۰	۱۸۰	بالا
۱۰۰	۳۵۰	کل

بر اساس یافته‌های تحقیق، بیش‌تر گروه‌های مخاطب جمعیت پژوهش، از دانش و آگاهی کافی برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند، به عبارت دیگر آگاهی و دانش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مناسب است (سطح معناداری=۰/۰۰۱، اندازه آزمون=۲۹۸/۸۴، درجه آزادی=۲).

هم‌چنان‌که از جدول ۳ مشخص است، بیش از ۵۰٪ از گروه‌های مخاطب، آگاهی و دانش خود را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در سطح بالا ارزیابی می‌کنند که بیانگر این امر است که گروه‌های مخاطب از آگاهی و دانش کافی برخوردار هستند. هم‌چنین دانش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، دارای میانگین ۸/۴۳، واریانس ۳/۸۲۵، انحراف معیار ۱/۹۵ و با ضریب کجی (چولگی) ۰/۰۶۳-، دارای کجی منفی می‌باشد. این کجی منفی حاکی از این است که اکثریت گروه‌های مخاطب، از دانشی بالاتر از مقدار میانگین دانش برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار هستند.

جدول ۴: میزان آگاهی و دانش گروه‌های مخاطب

تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی
۱۵	۸/۴۳	۳/۸۲۵	۱/۹۵	-۰/۰۶۳

در رابطه با متغیر دانش، در دو گروه دبیران و مدیران، سؤال‌های فرعی مطرح گردید که نتایج به دست آمده از این سؤال‌ها بدین گونه است: رابطه‌ی معناداری بین دانش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) با متغیرهای جنس، سن، سابقه خدمت، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت خارج از کرمانشاه به دست نیامد. به عبارت دیگر، متغیرهای یادشده در دانش گروه‌های مخاطب نسبت به اجرای برنامه‌ی درسی مدرسه محور تفاوتی به وجود نمی‌آورد، اما بین تحصیلات گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) و دانش آن‌ها رابطه‌ی معنادار به دست آمد. بدین معنی که هر چه تحصیلات گروه‌های

مخاطب (دبیران و مدیران) بالاتر باشد، آگاهی و دانش آن‌ها برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور بیش‌تر است.

جدول ۵: نتایج حاصل از میزان آگاهی و دانش گروه‌های مخاطب

متغیر	دانش	اندازه آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
تحصیلات	مدیران	۰/۴۰۱	۴۸	*۰/۰۰۴
	دبیران	۰/۳۱۵	۲۹۸	*۰/۰۰۱
سن	مدیران	۲۱۵	۲	NS
	دبیران	۶/۱۱۴	۴	NS
جنس	مدیران	۰/۳۳۳	۱	NS
	دبیران	۰/۱۲۱	۲	NS
سابقه خدمت	مدیران	۰/۱۴۶	۴۸	NS
	دبیران	۰/۵۶	۲۹۸	NS
سابقه خدمت در کرمانشاه	مدیران	۰/۸۹۶	۲	NS
	دبیران	۴/۰۰	۴	NS
سابقه خدمت در خارج از کرمانشاه	مدیران	۰/۰۸۷	۱	NS
	دبیران	۱/۱۱۶	۴	NS

*= $p < 0.05$

۲) گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی

درسی مدرسه محور دارای چه نوع نگرشی می‌باشند؟

هم‌چنان که از یافته‌های پژوهش مشخص است، ۱۷/۸ درصد از گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) دارای نگرش منفی، ۴۸/۹ درصد دارای نگرش متوسط (نه مثبت، نه منفی) و ۳۳/۳ درصد دارای نگرش مثبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشند.

جدول ۶: توزیع نمرات نگرش گروه‌های مخاطب

درصد	فراوانی	
۱۷/۸	۶۲	منفی
۴۸/۹	۱۷۱	متوسط
۳۳/۳	۱۱۷	مثبت
۱۰۰	۳۵۰	کل

نتایج پژوهش حاکی از آن است که گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) دارای نگرش متوسط نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشند (سطح معناداری=۰/۰۰۱، اندازه آزمون=۱۲۸/۷۴، درجه آزادی=۲).

هم‌چنین نگرش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) دارای میانگین ۵/۵۸، واریانس ۲/۴۵، انحراف معیار ۱/۵۶ و با ضریب کجی (چولگی) ۰/۱۳۸- دارای کجی منفی می‌باشد. این کجی منفی حاکی از این است که اکثریت گروه‌های مخاطب دارای نگرش متوسط و نگرش مثبت نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشند.

جدول ۷: میزان نگرش گروه‌های مخاطب

تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی
۱۰	۵/۵۸	۲/۴۵	۱/۵۶	-۰/۱۳۸

نتایج به دست آمده از سؤال‌های فرعی مربوط به متغیر نگرش، بیانگر آن است که بین نگرش دبیران و مدیران با متغیرهای سن، جنس، سابقه خدمت، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت خارج از کرمانشاه رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر، متغیرهای یاد شده، در نگرش گروه‌های مخاطب نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور تفاوتی به وجود نمی‌آورد، اما بین نگرش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) و تحصیلات آن‌ها رابطه‌ی معنادار به دست آمد، بدین معنا که بین نگرش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و تحصیلات آن‌ها رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی هر چه سطح تحصیلات گروه‌های مخاطب بالاتر باشد، نگرش آن‌ها برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مثبت‌تر خواهد بود. از آن‌جا که گروه‌های مخاطب با تحصیلات بالاتر راجع به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور اطلاعات بیشتری در اختیار دارند و از فواید اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در نظام آموزش و پرورش نیز اطلاع دارند، بنابراین نگرش آن‌ها نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مثبت‌تر خواهد بود.

جدول ۸: نتایج حاصل از میزان نگرش گروه‌های مخاطب

متغیر	نگرش	اندازه آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
تحصیلات	مدیران	۰/۳۹۱	۴۸	* / ۰.۵
	دبیران	۰/۲۹۰	۲۹۸	* / ۰.۰۱
سن	مدیران	۴/۸۰۹	۴	NS
	دبیران	۶/۱۱۴	۴	NS
جنس	مدیران	۱/۱۲۵	۲	NS
	دبیران	۱/۳۹۰	۲	NS
سابقه خدمت	مدیران	-۰/۲۴۲	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۱۰۵	۲۹۸	NS
سابقه خدمت در کرمانشاه	مدیران	۱۱/۴۸۶	۴	NS
	دبیران	۰/۶۶۴	۴	NS
سابقه خدمت در خارج از کرمانشاه	مدیران	۶/۲۸۷	۲	NS
	دبیران	۱۴/۳۱۶	۴	NS

*= $P < 0.05$

۳) گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی

درسی مدرسه محور چه میزان مهارت دارند؟

یافته‌های پژوهش در جدول ۹ حاکی از آن است که، ۳۲/۶ درصد از گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) از مهارت پایین، ۴۰ درصد از مهارت متوسط و ۲۷/۴ درصد از مهارت بالا برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند.

جدول ۹: توزیع گروه‌های مخاطب بر حسب میزان مهارت

درصد	فراوانی	
۳۲/۶	۱۱۴	پایین
۴۰	۱۴۰	متوسط
۲۷/۴	۹۶	بالا
۱۰۰	۳۵۰	کل

هر چند که بیش‌تر گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) از مهارت متوسط برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند، اما این مهارت برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور ناکافی است (سطح معناداری = ۰/۰۱۵، اندازه

آزمون=۸/۳۹۳، درجه آزادی=۲). هم‌چنین مهارت گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) دارای میانگین ۱/۹۹، واریانس ۰/۷۸۲، انحراف معیار ۰/۸۸ و با ضریب کجی (چولگی) ۰/۴۳ دارای کجی مثبتی می‌باشد. این کجی مثبت حاکی از این است که اکثریت گروه‌های مخاطب از مهارت پایین‌تر از مقدار میانگین مهارت برای ایفای نقش در برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند.

جدول ۱۰: میزان مهارت گروه‌های مخاطب

تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی
۸	۱/۹۹	۰/۷۸۲	۰/۸۸	۰/۴۳

در رابطه با متغیر مهارت، سؤال‌های فرعی مطرح گردید که نتایج حاصل از آن بدین گونه است: بین مهارت دبیران با سن، سابقه خدمت و سنوات خدمت در خارج از کرمانشاه رابطه معناداری وجود ندارد. هم‌چنین بین مهارت مدیران با متغیرهای سن، جنس، سابقه خدمت، تحصیلات، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت در خارج از کرمانشاه، رابطه‌ی معناداری وجود ندارد؛ اما بین مهارت دبیران با جنس، تحصیلات و سنوات خدمت آن‌ها در کرمانشاه، رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد، یعنی رابطه‌ی بین مهارت دبیران با جنس، تحصیلات و سنوات خدمت آن‌ها در کرمانشاه معنادار است.

در رابطه با متغیر جنس، با توجه به سؤال فرعی مطرح شده باید گفت، خانم‌ها از مهارت بیش‌تری برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند. با بالا رفتن تحصیلات دبیران مهارت آن‌ها برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور بیش‌تر می‌شود. هم‌چنین بین مهارت دبیران نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و سنوات خدمت آن‌ها در کرمانشاه رابطه‌ی معناداری وجود دارد، پس بین سه متغیر جنس، تحصیلات و سنوات خدمت در کرمانشاه با مهارت دبیران برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱: نتایج حاصل از میزان مهارت گروه‌های مخاطب

متغیر	مهارت	اندازه آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
تحصیلات	مدیران	۰/۱۸۴	۴۸	NS
	دبیران	۰/۴۰۵	۲۹۸	*.۰/۰۰۱
سن	مدیران	۲/۳۸۰	۴	NS
	دبیران	۱۷/۵۶	۴	NS
جنس	مدیران	۱/۳۰۷	۲	NS
	دبیران	۷/۹۰۲	۲	*.۰/۰۰۱
سابقه خدمت	مدیران	-۰/۰۹۴	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۲۴۹	۲۹۸	NS
سابقه خدمت در کرمانشاه	مدیران	۱/۵۶۷	۴	NS
	دبیران	۸/۷۷	۴	*.۰/۰۳
سابقه خدمت در خارج از کرمانشاه	مدیران	۱/۸۹۵	۲	NS
	دبیران	۴/۶۸۷	۴	NS

*= $P < .05$

۴) امکانات موجود در مدارس متوسطه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور چه میزان است؟

نتایج پژوهش جدول ۱۲ نشان می‌دهد که، ۴۵/۴ درصد از مدارس از امکانات پایین، ۴۳/۱ درصد از امکانات متوسط و ۱۱/۴ درصد از امکانات بالا برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند.

جدول ۱۲: توزیع میزان امکانات مدارس

درصد	فراوانی	
۴۵/۴	۱۵۹	پایین
۴۳/۱	۱۵۱	متوسط
۱۱/۴	۴۰	بالا
۱۰۰	۳۵۰	کل

همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش‌تر مدارس جمعیت پژوهش، از امکانات متوسط و پایین برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار هستند (سطح معناداری = ۰/۰۰۱، اندازه آزمون = ۷۵/۸۴۶، درجه آزادی = ۲). همچنین امکانات مدارس دارای میانگین ۳/۷، واریانس ۱/۹۱، انحراف معیار ۱/۳۸ و با ضریب کجی (چولگی) ۰/۱۳۳، دارای کجی مثبتی می‌باشد. این کجی مثبت حاکی از این است که اکثریت مدارس از امکانات پایین‌تر از مقدار میانگین امکانات برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار می‌باشند.

جدول ۱۳: میزان امکانات موجود در مدارس از نظر گروه‌های مخاطب

تعداد	میانگین	واریانس	انحراف معیار	ضریب کجی
۱۲	۳/۷	۱/۹۱	۱/۳۸	۰/۱۳۳

نتایج این یافته، حاکی از آن است که بین امکانات مدرسه با سابقه خدمت، سنوات خدمت خارج از کرمانشاه دبیران و جنس، سن، تحصیلات، سابقه، سنوات خدمت در کرمانشاه و سنوات خدمت خارج از کرمانشاه مدیران رابطه‌ی معناداری وجود ندارد. اما بین امکانات مدرسه با جنس، سن، تحصیلات دبیران رابطه‌ی مثبت و مستقیمی وجود دارد، در رابطه با متغیر جنس باید گفت که خانم‌ها امکانات مدرسه را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در حد مناسبی می‌بینند.

بین امکانات مدرسه و سن گروه‌های مخاطب نیز این نتیجه به دست آمده است که هر چه سن گروه‌های مخاطب بالاتر باشد، آن‌ها امکانات مدرسه را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مناسب و برعکس هر چه سن گروه‌های مخاطب پایین‌تر باشد، امکانات مدرسه را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در حد پایین‌تری می‌دانند. در مورد رابطه‌ی بین امکانات مدرسه با تحصیلات دبیران باید گفت، هر چه تحصیلات دبیران بالاتر باشد، آن‌ها امکانات موجود را در سطح پایینی می‌دانند و برعکس هر چه تحصیلات پایین‌تر باشد، امکانات موجود در مدارس متوسطه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور را مناسب می‌دانستند. دلیل این رابطه، عدم آشنایی گروه‌های مخاطب با تحصیلات پایین‌تر، از امکانات موجود در مدارس، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشد، چرا که گروه‌های مخاطب با تحصیلات پایین اطلاع چندانی از اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور ندارند، به همین خاطر احساس می‌کنند که با حداقل امکانات هم می‌توان اقدام به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور نمود.

جدول ۱۴: نتایج حاصل از بررسی میزان امکانات موجود در مدارس متوسطه

متغیر	امکانات	اندازه آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
تحصیلات	مدیران	۰/۶۹	۴۸	۰/۶۳۲
	دبیران	۰/۲۹۳	۲۹۸	*۰/۰۰۱
سن	مدیران	۰/۱۷۳	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۷۱	۲۹۸	*۰/۰۴
جنس	مدیران	۵/۵۵	۲	NS
	دبیران	۹/۴۴	۲	*۰/۰۰۰۱
سابقه خدمت	مدیران	۰/۱۶۷	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۷۳	۲۹۸	NS
سابقه خدمت در کرمانشاه	مدیران	۰/۱۵۴	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۴۴	۲۹۸	NS
سابقه خدمت در خارج از کرمانشاه	مدیران	۰/۱۵	۴۸	NS
	دبیران	-۰/۱۰۲	۲۹۸	NS

*=P<۰/۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

برای امکان‌سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، به داده‌هایی استناد شد که مربوط به دو گروه دبیران (عاملان احتمالی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور) و مدیران (تصمیم‌گیرندگان نظام برنامه‌ریزی درسی) می‌باشد. در واقع تصویری که این دو گروه از شرایط موجود ارائه دادند مبنای تحلیل و پاسخ‌گویی به هدف اصلی پژوهش بود. بر این اساس شرایط (سخت‌افزاری، نرم‌افزاری) مدارس متوسطه برای اقدام به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مورد پرسش قرار گرفت. شرایط سخت‌افزاری مربوط به امکانات مدرسه (فضا، منابع مکتوب و دیجیتالی، قوانین و دسترسی) و شرایط نرم‌افزاری مربوط به سه متغیر (دانش، نگرش و مهارت) می‌باشد. داده‌هایی در خصوص چهار متغیر دانش، نگرش، مهارت و امکانات جمع‌آوری گردید. هم‌چنان که از یافته‌ها مشخص است سطح دانش و نگرش از بیش‌ترین میانگین و مهارت و امکانات از کمترین میانگین برخوردارند. این بدان معناست که گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از دانش و نگرش کافی برخوردار هستند، اما از مهارت لازم برخوردار نیستند. هم‌چنین

امکانات مدرسه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در حد مطلوبی نیست. هر چند که در این پژوهش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از آگاهی و دانش کافی برخوردار هستند، اما باید بستری فراهم شود تا مدیران و دبیران، سطح دانش و آگاهی خویش را بالا ببرند.

از میان سؤال‌های فرعی مطرح شده، بین دو سؤال فرعی مربوط به ارتباط دانش و نگرش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، با تحصیلات آن‌ها، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، رابطه‌ی مثبت و مستقیمی به دست آمد. بدین معنی که بین دانش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) و تحصیلات آن‌ها رابطه‌ی مثبت و مستقیم وجود داشت که این امر نشان دهنده‌ی این است که هر چه سطح تحصیلات دبیران و مدیران بالاتر باشد، آن‌ها از آگاهی و دانش بیش‌تری برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردار خواهند بود. پس تحصیلات به عنوان یک متغیر، تأثیر فراوانی در میزان آگاهی و دانش گروه‌های مخاطب برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور دارد.

این یافته با پژوهش (ملکی، ۱۳۸۵) هم‌خوانی دارد، وی در پژوهش خود آگاهی و دانش دبیران و مدیران را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مناسب می‌داند، نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، دانش کافی وجود دارد. اما به روزآوری دانش باید مد نظر قرار گیرد.

نتایج این یافته از پژوهش با پژوهش‌های (آهنگران، ۱۳۷۹، ساکی، ۱۳۷۶) ناهم‌خوان است. آهنگران (۱۳۷۹) به عواملی مانند عدم اعتماد به نفس در مدیران و دبیران، کمبود آگاهی و دانش مدیران به عنوان موانعی بر سر راه اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور اشاره کرده است. هم‌چنین ساکی (۱۳۷۶) در پژوهش خود ضعف دانش و معلومات حرفه‌ای دبیران و مدیران را از ضعف‌های ساختاری و تشکیلاتی آموزشی و پرورش ایران می‌داند. با این اوصاف در تبیین این یافته می‌توان گفت با توجه به نتایج پژوهش‌های مشابه، آگاهی و دانش، یک متغیر اصلی در فرآیند برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور است که در این راستا باید دست‌اندرکاران آموزش و پرورش آگاهی بیش‌تری در مورد جزییات برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در اختیار افراد ذی‌نفع قرار دهند.

بین نگرش گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور و تحصیلات آن‌ها رابطه‌ی مثبت و معنادار به دست آمد. یعنی با بالا رفتن تحصیلات، نگرش دبیران و مدیران برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مثبت‌تر خواهد بود. این یافته از پژوهش با پژوهش‌های (ملکی، ۱۳۸۵، دریمی، ۱۳۷۹) ناهم‌خوان

است. این دو در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که دبیران و مدیران برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور دارای نگرش منفی می‌باشند و تغییر نگرش گروه‌های مخاطب را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در پژوهش خود پیشنهاد داده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، هر چند که در این پژوهش نگرش گروه‌های مخاطب در حد متوسطی است، اما تغییر نگرش دبیران و مدیران راجع به برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور توسط آموزش و پرورش مسأله‌ای جدی است که باید به آن توجه شود.

آنچه که از سؤال‌های فرعی مطرح شده بر می‌آید این است که تحصیلات گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران)، در افزایش آگاهی و دانش و همچنین نگرش آن‌ها نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور تأثیرگذار است.

در این پژوهش می‌توان از مهارت ناکافی گروه‌های مخاطب به ویژه مدیران به عنوان یکی از چالش‌های مهم در زمینه‌ی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور یاد کرد، که ممکن است اصل حرکت به سمت مدرسه محوری را به مخاطره اندازد. هر چند که بین مهارت دبیران نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور با تحصیلات و سنوات خدمت آن‌ها در کرمانشاه، رابطه‌ی معنادار به دست آمد، اما این بدان معنا نیست که مهارت این گروه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور کفایت می‌کند.

این یافته با پژوهش‌های (ملکی، ۱۳۸۵ و دریمی، ۱۳۷۹) هم‌خوان است. ملکی در پژوهش خود مهارت دبیران و مدیران را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور ناکافی می‌داند، همچنین دریمی در پژوهش خود به مهارت ناکافی عوامل اجرایی مدرسه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور اشاره می‌کند و آن را مناسب اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور نمی‌داند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، هر چند که بیش‌تر گروه‌های مخاطب (دبیران و مدیران) جمعیت پژوهش، از مهارت متوسط برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور برخوردارند، اما این مهارت برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور ناکافی است.

در مورد متغیر امکانات، هم‌چنان که از نتایج یافته‌ها بر می‌آید باید اذعان کرد که مدارس متوسطه برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از امکانات مناسب برخوردار نیستند. متأسفانه در مدارس کشور ما منابع مادی، امکانات در حد مطلوب نیست و از آن‌جا که وجود امکانات متنوع و مناسب برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از ضروریات می‌باشد باید بازسازی امکانات مدارس مورد توجه قرار بگیرد. هم‌چنان که از سؤال‌های فرعی مربوط به متغیر امکانات بر می‌آید، گروه‌های مخاطب با تحصیلات بالا امکانات موجود

در مدارس را در حد بسیار پایین می‌دانند. و نیز دبیران و مدیران با سابقه‌ی کمتر، امکانات موجود را در حد ضعیف ارزیابی کردند و نیز دبیرانی که سابقه خدمت خارج از شهر کرمانشاه را داشتند، امکانات موجود در مدارس متوسطه کرمانشاه را در مقایسه با سایر مدارس خارج از استان در حد پایین‌تری می‌دیدند. از آن‌جا که گروه‌های مخاطب با تحصیلات بالاتر از میزان امکانات لازم برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور آگاهی دارند، امکانات موجود در مدارس در شرایط کنونی را مناسب اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور نمی‌دانند، در حالی که گروه‌های مخاطب با تحصیلات پایین‌تر، به دلیل آگاهی کمتر از اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور، حداقل امکانات موجود در مدارس را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مناسب می‌دانند.

به هر حال، در صورت تمایل به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در مقطع متوسطه، امکانات و منابع موجود جواب‌گوی وضعیت کنونی نمی‌باشد و در این راه مسؤولان نظام برنامه‌ریزی درسی کشور باید توجه ویژه‌ای به این امر داشته باشند. این یافته با پژوهش‌های (ملکی، ۱۳۸۵ و آهنگران، ۱۳۸۰ و ساکی، ۱۳۷۹)، هم‌خوان است. به‌طور کلی اکثریت پژوهش‌های انجام شده که متغیر امکانات را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مد نظر قرار داده‌اند، امکانات موجود در مدرسه را برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور مناسب نمی‌بینند. پژوهش‌های بالا کمبود منابع و امکانات آموزشی را به عنوان چالشی برای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور قلمداد کرده‌اند. و اعتقاد دارند مدارس کشور برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور از امکانات لازم برخوردار نیستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از لحاظ امکانات شرایط لازم برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور در سیستم آموزش و پرورش فعلی ما وجود ندارد و از این لحاظ آموزش و پرورش دارای ضعف‌هایی است که برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور باید در آن تجدید نظرهایی انجام بگیرد. از جمله این‌که بازسازی امکانات مدارس باید مورد توجه جدی مسؤولان نظام قرار بگیرد.

پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- از آن‌جا که به روزآوری دانش گروه‌های مخاطب برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور باید مد نظر قرار گیرد، گروه‌های مخاطب (مدیران و دبیران)، به طور مداوم به تقویت و ارتقای سطح دانش خود همت گمارند و این موضوع وظیفه‌ی دست‌اندرکاران امر را در رده‌های بالا در تصمیم‌گیری آشکار می‌سازد.

- ۲- چون تحصیلات، متغیر تأثیرگذاری در اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشد، تدارک زمینه‌های مناسب جهت ارتقای سطح علمی گروه‌های مخاطب (مدیران و دبیران)، از طرق مختلف مانند برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش ضمن خدمت و تشکیل گروه‌هایی‌ها و نیز تشکیل کمیته‌ها و انجمن‌های علمی فعال در سطح گروه‌ها و ایجاد انگیزه در آن‌ها نسبت به ارتقای سطح دانش برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور فراهم گردد.
- ۳- چون مهارت گروه‌های مخاطب برای اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور ناکافی است، بازنگری درباره‌ی نقش دست‌اندرکاران آموزش و پرورش به‌ویژه مدیران و دبیران و توانایی سازی آن‌ها برای تصدی وظایف و مسئولیت‌ها صورت پذیرد.
- ۴- با توجه به این‌که گروه‌های مخاطب، دارای نگرش متوسط نسبت به اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور می‌باشند، در صورت تمایل به اجرای این برنامه، بهتر است اصلاح نگرش صورت گیرد، هم‌چنین در زمینه‌ی تغییر نگرش گروه‌های مخاطب باید به دو اصل اقناع و صداقت توجه بیش‌تری مبذول گردد. قانع کردن گروه‌های مخاطب در زمینه‌ی برنامه‌ی جاری و برنامه‌ی آتی و نیز رعایت اصل صداقت در روشن نمودن وضعیت کنونی گام‌های مؤثری است که باید اقداماتی در خصوص آن‌ها انجام شود.
- ۵- چون نتیجه‌ی گرفتیم که امکانات موجود در مدارس در وضعیت کنونی مناسب اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور نمی‌باشد، امکانات متنوع و مناسب هم‌چون کادر تخصصی خبره، اینترنت و امکان استفاده از آن، لوح‌های فشرده‌ی آموزشی، کتاب‌هایی با موضوع برنامه‌ی درسی و نشریه‌های مرتبط با موضوع تعلیم و تربیت تدارک دیده شود.
- ۶- با توجه به این‌که مشارکت گروه‌های مخاطب در جلسات نقد و بررسی و شرکت در همایش‌های برنامه‌ی درسی بسیار ضعیف است، مدیران و دبیران مدارس در جلسات نقد و بررسی برنامه‌های درسی موجود شرکت کنند، چراکه مشارکت معلمان در تولید برنامه‌های درسی استانی یا ملی و آرایه‌ی پیشنهادات از سوی آن‌ها می‌تواند به عنوان اقداماتی جهت پیشبرد اهداف مدرسه محوری و اجرای این خط مشی در مدارس در نظر گرفته شود.

منابع

الف. فارسی

۱. آقازاده، محرم. (۱۳۸۵). طراحی و اعتبار بخشی الگوی برنامه‌ریزی درسی تلفیقی مدرسه محور برای مدارس روستایی با کلاس‌های چند پایه. رساله‌ی دکتری. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۲. آهنگران، علیرضا. (۱۳۷۹). بررسی جایگاه مدیریت مبتنی بر مدرسه از دید مدیران مدارس نواحی چهارگانه شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
۳. پیری، موسی. (۱۳۸۸). طراحی و اعتبار سنجی الگوی برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور. رساله‌ی دکتری. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
۴. تدینی، رباب. (۱۳۸۵). مقایسه تاثیر برنامه درسی مدرسه محور و برنامه درسی مرسوم زبان انگلیسی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش فراگیران بزرگسال زن سال سوم راهنمایی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تبریز: دانشگاه تبریز.
۵. داودی پور، عبدالله. (۱۳۸۷). بررسی زمینه‌های اجرای طرح مدیریت مدرسه محور بر اساس رسالت، مشارکت و تعهد سازمانی مدیران و معلمان مدراس راهنمایی شهر مشهد. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی دانشگاه الزهراء. دوره چهارم، شماره ۴.
۶. ساکی، رضا. (۱۳۷۶). دشواری‌های ساختار، تشکیلات و مدیریت در آموزش و پرورش و چشم‌اندازهای مطلوب از دیدگاه صاحب‌نظران. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۷. فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۳ الف). بررسی قابلیت اجرایی الگوهای مختلف تصمیم‌گیری در برنامه‌های درسی مدارس کشور. نشریه انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. سال اول، شماره یک.
۸. فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۳ ب). امکان سنجی مشارکت معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه علمی پژوهشی نوآوری‌های آموزشی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
۹. کاتب دریمی، معصومه. (۱۳۷۹). نگرش سنجی برون سازمان‌ها درباره میزان مطلوبیت تمرکز زدایی در نظام آموزش و پرورش فارس. پایان نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۰. ملکی، ماندانا. (۱۳۸۵). امکان سنجی اجرای برنامه‌ریزی درسی مدرسه محور. پایان نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۱۱. موسی پور، نعمت‌اله. (۱۳۸۲). مبانی برنامه ریزی آموزش متوسطه. مشهد: به نشر.

۱۲. موسی پور، نعمت‌اله. (۱۳۸۷). **تمرکز و عدم تمرکز در فرآیند برنامه‌ریزی درسی**. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
۱۳. مهر علی‌زاده، یداله؛ سپاسی، حسین. و آتشفشان، فاطمه. (۱۳۸۴). زمین‌ها و موانع کاربردی مدیریت مدرسه محور در ایران: مطالعه‌ای در دبیرستان‌های دولتی شهر اهواز. **مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز**. دوره سوم، سال دوازدهم، شماره ۲.
۱۴. نصر اصفهانی، احمدرضا. (۱۳۸۱). برنامه درسی مدرسه محور، چالش‌ها و چشم‌اندازها. **مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان**. جلد ۴. شماره ۲.
۱۵. یارمحمدیان، محمد حسین. (۱۳۸۱). امکان‌سنجی و راه‌کارهایی برای غیر متمرکز کردن نظام آموزشی و تفویض اختیارات. **مجله دانش و پژوهش**. شماره ۱۳ و ۱۴.

ب. انگلیسی

16. Adams, D., & Goldbard, A. (1995). **Comprehensive cultural policy for the state of California**. C. A: icd@wwcd.org [8.21.2002].
17. Ben – Peretz. (1999). Teacher as curriculum. Makers. In: Hussein, T. and Postleth Waite T. N (Eds). **International Encyclopedia of Education**. pp: 1253-1257. England: Pergamon Press.
18. Fullan, M. (1989). **School-based management: Reconceptualizing to improve learning outcomes**. University of Toronto. [www.oece.org/oeru/documents/ outcomes](http://www.oece.org/oeru/documents/outcomes). Pdf.
19. Gazile, H. (1998). **School-Health management: Theory, research and practice**. Colombo: karunarvatne and sonslth.
20. Magzamen, S. (2008). Kichin Asthma: school-based Asthma Education in an urban community. **The Journal of School Health**. 78(12): 655-665.
21. Marsh, C., Day, C. (1990). **Reconceptualization of school-based Curriculum development**. New York: the Falmer press.
22. Naido, J., kony, P. (2003). Improving management in the contet of decentralization in Afriea. **Association for Development of Education in Afriea**.
23. Sabar, N. (1989). school-based curriculum development. **International Encyclopedia of Education**. Supplementary Volume (1989), N. posthelwaite and. T. Husen (EDS).
24. Skilbeck, M. (2008). **School-based curriculum development**. London: Harper and Row.